Theories and criticism in Arabic literature
The Second Year, Number ٧, Autumn١٤٠١
Pp:١٠٣- ١١٦

Research Paper

DOI: ١٠.٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥.٥٥٧٨٤٤.١٠٦٩

Reading intertextual relationships in discovering and analyzing the influence of the Ghadir Sermon on the Holy Quran

Mohammad Ghafourifar[١]

Hassan Rahmani Rad[٢]

(Received: ٢٠٢٥,١١,٠٦ ,Accepted: ٢٠٢٥,١١,٠٦)

Abstract

Keywords:

---

١ Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran, Email: m.ghafourifar٦٥@gmail.com (Responsible author).

٢. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Qom University of Religions and Sects, Qom, Iran.

© **The Author(s).** **Publisher**: Kosar University

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الثانية، العدد ٧، خريف ١٤٠١

صص: ١١٦ -١٠٣

DOI: ١٠.٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥.٥٥٧٨٤٤.١٠٦٩

خوانش روابط بینامتنیت در کشف و واکاوی تأثیرپذیری خطبه غدیر از قرآن‌کریم

محمد غفوری فر [١]

حسن رحمانی راد [٢]

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴،۰۸،۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴،۰۸،۱۵)

چکیده

در دهه‌ی شصت قرن بیستم میلادی ژولیا کریستوا ناقد فرانسوی، نظریه بینامتیت را ارائه کرد که بشدت مورد توجه ناقدان قرار گرفت. بینامتنیت، به روابط بین متونی می‌پردازد که موجب آفرینش متن جدید می‌شود و هر متن ادبی را به منزله‌ی جذب و دگرگون‌سازی دیگر متون گوناگون گذشته و یا همزمان با آن می‌داند. یکی از متونی که بینامتنیت در آن حضور گسترده دارد، خطبه غدیر است، در جای جای خطبه غدیر، اثرپذیری لفظی و معنوی از آیات قرآن را می‌توان یافت این پژوهش تلاش دارد با روش توصیفی- تحلیلی نقش و تأثیر آیات قرآنی را در خطبه غدیر، در قالب نظریه بینامتنیت بررسی کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، تعامل متن خطبه غدیر به عنوان متن اصلی با قرآن‌کریم به عنوان متن غایب یا پنهان، غالباً آگاهانه و بیشتر از نوع نفی متوازی (امتصاص) می‌باشد. شایان ذکر است که به ندرت بینامتنی نفی جزئی (اجترار) و نفی کلی (حوار) نیز به چشم می‌خورد.

واژگان کلیدی: قرآن، خطبه الغدیر، بینامتنیت (تناص).

---

١. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران، ایمیل: m.ghafourifar٦٥@gmail.com (نویسنده مسئول).

٢. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، قم، ایران.

© حق مولف نویسندگان **ناشر:** دانشگاه کوثر

۱. مقدمه

شیوه‌های نوین نقد که تحت تأثیر زبان‌شناسی ظهور کرده‌اند، غالباً متن‌محور و در خوانش متن ادبی تنها به متن ادبی و نه مسائل پیرامونی آن توجه دارد. بررسی نظریات نقدی متن‌محور نشان می‌دهد که گروهی، متن را یک واحد بسته می‌انگارند که تنها به وسیله خود متن قابل فهم است و گروهی متن را یک واحد باز می‌پندارند که با متون دیگر در تعامل است و در واقع هر متنی ترکیبی از متون دیگر گوناگون است. این همان تناص یا بینامتنیت است که ژولیا کریستوا آن را در مطالعات خود مطرح کرده بود (میرزایی، ۱۳۸۸: ۲).

بینامتنی، نظریه‌ای است که با ورودش به حوزهٔ نقد ادبی، باعث ایجاد تحولی شگرف در این زمینه گشت. براساس این نظریه، هر متنی، آگاه یا ناخودآگاه، زایش و بازخوانشی از دیگر متون پیش از خود یا معاصر با خود است. این نظریه را نخستین بار، خانم ژلیو کریستوا در اواخر دهه‌ی شصت، در فرانسه مطرح کرد (آلن، ۱۳۸۵، الف: ۳۰). وی با مطالعه در آثار فردینان دوسوسور زبان‌شناس و نیز استاد خودش، میخائیل باختین و تلفیق نظرهای این دو دانشمند، به این مفهوم دست یافت؛ ولی برخی نظریه‌پردازان معتقدند مبدع اصلی واژه‌ی بینامتنیت، دانشمند روسی، میخائیل باختین است که منطق مکالمه‌گرایی در متون را کشف کرده و معتقد بود متن‌ها با یکدیگر گفتگو می‌کنند و خواننده باید آن را کشف کند. بر اساس این نظریه، هیچ متنی بدون پیش‌زمینه نیست و متن‌ها بر اساس و پایه متن‌های گذشته شکل می‌گیرند.

۱ـ۱. روش پژوهش

روش این مقاله تحلیلی‌ـ توصیفی است که با استخراج شواهد و تحلیل آنها، بینامتنی با قرآن که شامل واژگان، مضمون و واژگان‌ـ مضمون است، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۱ـ۲. پیشینه پژوهش

خطبه غدیر بنا به اهمیتی که دارد مقصد بسیاری از پژوهشگران در زمینه‌های مختلفی بوده است. نگارندگان این جستار نیز تلاش دارند تا از منظری ادبی و نقدی به خطبه غدیر نگاه کنند. طبق بررسی‌های صورت گرفته، در هیچ مقاله و پژوهشی به بررسی وجوه تأثیرپذیری خطبه غدیر از قرآن‌کریم (از منظر علم بینامتنیت) پرداخته نشده است. در این نوشتار کوتاه سعی می‌شود به شیوه‌های مختلف تأثیرپذیری کلام پیامبر خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و میزان استفاده ایشان از کلام وحی پرداخته شود.

۱ـ۳. سؤالات پژوهش

۱) اشکال بینامتنیت به کار رفته در خطبه غدیر چگونه است؟
۲) هدف از به کارگیری مفاهیم، مضامین و آیات قرآن در خطبه غدیر چیست؟

۲. بینامتنیت و انواع آن؛

نظریه‌ی بینامتنی به انواع متعددی تقسیم شده و این تقسیم‌بندی‌ها براساس چگونگی و شکل کاربرد آن در متون با هم متفاوت است. مهم‌ترین تقسیم‌بندی این نظریه را ژولیا کریستوا انجام داده است. وی بینامتنی را به سه دسته‌ی اصلی «نفی کلی و نفی متوازی و نفی جزئی» تقسیم بندی کرده است:

۱. نفی کلی یا حوار: این نوع از روابط بالاترین درجه بینامتنی است و به خوانشی آگاهانه و عمیق نیاز دارد که متن پنهان را به زیرکی درک کند؛ زیرا مؤلف در این نوع از روابط، متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند و به گونه‌ای که در خلاف معنای متن پنهان به کار می‌برد و معمولاً این امر ناخودآگاه روی می‌دهد (وعدالله، ۲۰۰۵: ۳۷). شاعر یا نویسنده یک مقطعی از متن غایب را در متن خود می‌آورد، در حالی که معنی متن متحول شده است. در واقع در نفی کلی مقدار زیادی از متن پنهان در متن حاضر به کار رفته و معمولاً این تعامل به شکل آشکار صورت می‌گیرد، چرا که خواننده با خواندن متن حاضر، به خاطر وفور، وضوح و به حضور بارز متن غایب در متن حاضر بدان پی برده و حامل بالاترین شکل تعامل با متن غایب است و در بیشتر مواقع در این شکل کاربرد معنای متن غایب با معنای متن حاضر متفاوت است.

۲. نفی متوازی یا امتصاص: در این نوع از بینامتنی، معنی مقطعی متن، همان است ولی شاعر می‌تواند در معنی متن جدید خود، بیافزاید. بنابراین دراین شکل از روابط بینامتنی، معنای متن غایب در متن حاضر تغییر اساسی نمی‌کند بلکه با توجه به مقتضای متن حاضر و با توجه به معنی آن، نقشی را که در همان متن غایب ایفا می‌کند در متن حاضر نیز بر عهده دارد. این بدان معنا نیست که معنای متن غایب در این شکل با معنایی که در متن حاضر ایفا می‌کند متناقض نیست بلکه می‌تواند دارای معنای بیشتری باشد و یا با تغییر و تنوعی که به نوآوری و ابداع شاعر بستگی دارد همراه باشد (خلیل، ۲۰۰۰: ۵۵).

۳. نفی جزئی یا اجترار: مؤلف در این نوع از روابط بینامتنی جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد و متن حاضر ادامه متن غائب است و کمتر ابتکار یا نوآوری در آن وجود دارد (عزام، ۲۰۰۵: ۱۱۶). چنین تعاملی که به شکل جزئی صورت می‌گیرد می‌تواند از نظر معنای الفاظ و عبارات، مخالف یا موافق با متن غایب باشد.

شاعر در متن خود براساس ذخایر ذهنی و معلومات موجود در ذهن خود از سه شکل روابط بینامتنی یا تناص، بهره می‌گیرد:

۱. تناص طبیعی یا تلقائی: این نوع تناص به شکل عادت و از روی عرف که کاربرد آن یک امر طبیعی است در متن به کار می‌رود. برای نمونه، کاربرد شاعران دوره‌ی جاهلی که در ابتدای شعرشان همیشه از اطلال و خرابه‌های یار و دیار و فراق محبوب سخن می‌راندند از این نوع است. در دوران جاهلی و حتی در دوران اموی شاعران با این مقدمه شعر خود را آغاز می‌کردند که کاربرد آن یک امر طبیعی بود و خوانندگان انتظار چنین شکل کاربردی را داشتند (میرزائی، ۱۳۸۸: ۹).

۲. تناص داخلی: در این نوع شاعر در متن خود از بعضی نوشته‌های متن پیشین که حاصل دسترنج ادبی و تولید خود اوست، استفاده می‌کند. قصیده‌های «أنشوده المطر» و «غریب علی الخلیج» دو اثر بدر شاکر سیاب نشان دهنده‌ی این شکل از تناص می‌باشند. (همان).

۳. تناص خارجی: رابطه‌ای که میان یک متن و متون دیگر، غیر از متن‌های خود نویسنده است، تناص خارجی نامیده می‌شود. ممکن است این متون از بین رفته و فراموش شده باشند اما اثرشان همچنان باقی باشد. به همین جهت این متون را متون غائب می‌گویند ولیکن در همان زمان وجود دارند (کیوان، ۱۹۹۸: ۲۳ـ۲۲).

همچنین تناص براساس نوع کاربرد آن در متون به دو دسته تقسیم می‌شود، این شکل از تناص را محمد عزام از دیدگاه ژرارژنت بیان کرده است:

۱. تناص ظاهر یا تناص واعی یا شعوری یا آگاهانه: در این نوع، شاعر به شکل واضح و مشخص از متن دیگری در شعرش استفاده می‌کند.

۲. تناص غیرظاهر یا تناص پنهان یا لا شعوری یا غیرآگاهانه: نویسنده یا شاعر به شکل غیرآگاهانه و از ضمیر ناخودآگاه خود از متن دیگری استفاده کرده و از این که متن دیگری یا جزئی از آن را با خصوصیتی از آن، در متن خود جای داده است ناآگاه است (میرزائی، ۱۳۸۸: ۱۰).

۳. روابط بینامتنی قرآنی و خطبه غدیر

بینامتنی نظریه‌ای است به منظور خوانش عمیق‌تر متن ادبی و دستیابی به ناگفته‌های آن. برای این امر باید سه عنصر اساسی بینامتنی یعنی متن غایب، متن حاضر و عملیات بینامتنی تبیین شود.

در پدیده بینامتنی، متن می‌تواند دارای یک یا چند سند مختلف باشد که برای فهم و تحلیل آن باید به آن اسناد مراجعه شود. متن یا متون ارجاعی که متن اصلی را تفسیر می‌کنند، «متن غایب» نام دارند که بر طبق این نظریه باعث تولید «متن حاضر» یا متن اصلی شده‌اند؛ به گونه‌ای که متن اصلی وجود خود را مدیون آن می‌داند. آثار و نشانه‌های متن غایب در متن حاضر نوع شکل بینامتنی را مشخص می‌سازد. عملیات بینامتنی همان بررسی متن اصلی با توجه به متن غایب و ردیابی روابط موجود بین آنهاست.

در تبیین روابط بینامتنی قرآن با خطبه غدیر، متن قرآنی، متن غایب و خطبه غدیر، متن حاضر است. عملیات بینامتنی یا تناص، تعامل این دو متن را روشن می‌کند. اگر چه شکل‌ها و عناوین فراوانی برای بینامتنی ذکر شده است، ولی با توجه به موضوع بحث این مقاله، تنها سه نوع بینامتنی واژگانی، مضمون و واژگان- مضمون مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. بینامتنی واژگان:

نمونه اول:

متن حاضر: «مَعاشِرَالنّاسِ، إنّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدي أَئمّةٌ يَدْعُونَ ... فِي الدّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النّارِ وَلَبِئْسَ مَثْوَي الْمُتَكَبّرِينَ»

متن غایب: «إِنَّ الْمُنافِقينَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصيرا» (نساء/ ۱۴۵).

«منافقان در پایین‌ترین درکات دوزخ قرار دارند؛ و هرگز یاوری برای آنها نخواهی یافت! (بنابراین، از طرح دوستی با دشمنان خدا، که نشانه نفاق است، بپرهیزید!)»

در این مقطع از خطبه غدیر، پیامبر از برخی الفاظ و واژگان آیه ۱۴۵سوره مبارکه نساء (فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ)، بهره جسته و یک بینامتنی لفظی با متن غایب برقرار می‌سازد. شایان ذکر است که فضای مقامه با فضای قرآنی تفاوت دارد؛ فضای قرآنی حکایت از مقابله منافقان و جایگاه آنان در جهنم دارد و اینکه آنان در آتش دوزخ یار و یاوری ندارند، ولی فضای این بخش از خطبه اشاره به کسانی دارد که پیامبر از آنان به عنوان افرادی گمراه یاد می‌کند و بیان می‌دارد که اینان بعد از وی مردمان را به راه باطل و در نهایت به آتش دوزخ دعوت می‌کنند، حال اینکه آنان در بدترین جایگاه جهنم خواهند بود؛ پر واضح است که مذمت کسانی که در این آیه قرآن ارائه گردیده با آنچه در خطبه غدیر ذکر شده، متفاوت می‌باشد.

بدین ترتیب رابطه‌ی متن حاضر با متن پنهان رابطه نفی کلی (حوار) است؛ زیرا نویسنده معنی متن غایب را در متن خود متحول کرده و این عمل را آگاهانه و برای تأثیر بیشتر، بازآفرینی نموده است.

نمونه دوم

متن حاضر: «مَنْ يُطِعِ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيّاً وَ الْأَئِمَةَ الَّذينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فازَفَوْزاً عَظيماً».

متن غایب: «من يطع الله و رسوله فقد فاز فوزا عظيما» (احزاب/۷۱).

«هرکس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری (و پیروزی) عظیمی دست یافته است!»

عملیات بینامتنی: در این بخش از مقاله به محض دیدن واژه «من يطع الله و رسوله فقد فاز فوزا عظيما» به روشنی دیده می‌شود که پیامبر از واژگان متن غایب (احزاب/ ۷۱)، در متن خود بهره می‌جوید، واضح‌ترین شکل بینامتنی به کار رفته در این بخش، بهره‌گیری از واژه قرآنی است که با تغییر جزیی و افزودن واژگان «عليا و الائمة ذكرتهم» مضمون آیه را از وجه اطاعت که منحصر بر خداوند و پیامبر بوده خارج ساخته و اطاعت و پیروی از حضرت علی و ائمه معصومین را نیز در ردیف اطاعت از خدا و رسول گرامی به شمار می‌آورد. رابطه این بخش مقاله با قرآن، از نوع بینامتنی نفی متوازی (امتصاص) است؛ زیرا نویسنده واژگان و معنی متن غایب را با اندکی تغییر در متن خود متحول کرده و این عمل را آگاهانه و برای تأثیر بیشتر بازآفرینی نموده است.

نمونه سوم:

متن حاضر: «مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّهُ جَنْبُ اللهِ الّذي ذَكَرَ في كِتابِهِ العَزيزِ، فَقالَ تعالي (مُخْبِراً عَمَّنْ يُخالِفُهُ): (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يا حَسْرَتا عَلي ما فَرَّطْتُ في جَنْبِ اللهِ)».

هان مردمان! همانا او همجوار و همسایه خداوند است که در نبشته‌ی عزیز خود او را یاد کرده و دربارۀ ستیزندگان با او فرموده: «تا آنکه مبادا کسی در روز رستاخیز بگوید: افسوس که درباره همجوار و همسایه‌ی خدا کوتاهی کردم...».

متن غایب: «(أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَى عَلَى مَا فَرَّطتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ)» (زمر/ ۵۶).

«افسوس بر من از کوتاهی‌هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره‌کنندگان (آیات او) بودم!».

عملیات بینامتنی: در این بخش از خطبه غدیر بهره‌گیری از واژگان قرآنی به روشنی دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که در درون خواننده، این قدرت را به وجود می‌آورد تا به عمق اثرگذاری قرآن در این بخش و اوج بهره‌گیری پیامبر از این چشمه‌ی بی‌کران هستی پی‌ببرد. پیامبر در این مقطع از خطبه، از الفاظ و واژگان آیه۵۶ سوره مبارکه زمر (أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَى عَلَى مَا فَرَّطتُ فِي جَنبِ اللَّهِ)، بهره جسته و یک بینامتنی لفظی با متن غایب برقرار می‌سازد. شایان ذکر است که فضای مقاله با فضای قرآنی تفاوت دارد؛ فضای قرآنی حکایت از حسرت انسانها در روز قیامت از عدم اطاعت و پیروی از خدا دارد، ولی فضای این بخش از مقاله اشاره کوتاهی نسبت به حضرت علی (ع) دارد و بیان می‌دارد که در روز قیامت گروهی به خاطر عدم پیروی از حضرت علی (ع) در نزد خداوند، احساس ندامت و حسرت می‌کنند.

بدین ترتیب رابطه‌ی متن حاضر با متن پنهان رابطه نفی کلی (حوار) است؛ زیرا نویسنده معنی متن غایب را در متن خود متحول کرده و این عمل را آگاهانه و برای تأثیر بیشتر، بازآفرینی نموده است.

نمونه چهارم

متن حاضر: «فَمَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ أُثيبَ عَلَيْها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الجِنانِ نَصيبٌ».

آنکه نیکی آورد، پاداش گیرد. و آنکه بدی کرد، بهره‌ی از بهشت نخواهد برد.

متن غایب: «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها و من جاء بالسيئة فلا يُجزى إلا مثلها و هم لا يُظلمون» (انعام/ ۱۶۰).

«هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت، و هرکس کار بدی بیاورد، جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود».

عملیات بینامتنی: پیامبر بار دیگر از واژگان قرآنی در خطبه خویش استفاده می‌کند و برخی از الفاظ آیه مذکور که شامل دو فعل شرط می‌شود «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ» را از قرآن بدون تغییر ذکر نموده و واژگان جواب شرط را با تغییر جزئی «فله عشر أمثالها ــ فلا يُجزى إلا مثلها و هم لا يُظلمون» به صورت «أُثيبَ عَلَيْها ــ فَلَيْسَ لَهُ فِي الجِنانِ نَصيبٌ» به کار می‌گیرد، البته بینامتنی تنها به واژگان منحصر نمی‌شود و وی در این قسمت از مقاله، متن خود را در بینامتنی مضمون با متن غایب نیز قرار داده و یک تعامل آشکار با مضمون آیه ۱۶۰ سوره انعام بوجود آورده است. وی مضمون آیه مذکور را با کمی تغییر جزئی در متن خود گنجانده و به شکل موازی و هماهنگ از متن غایب استفاده کرده است؛ در متن غایب خداوند، بیان می‌دارد که هرکس کاری نیکی انجام دهد پاداش می‌گیرد و در مقابل هرکس کار بدی انجام دهد، جزاء و پاداشی جزء بدی نمی‌بیند، پیامبر نیز معنای مورد نظر خداوند را، در عبارت خود بیان داشته و به شیوه هنرمندانه از آن در جهت هدف مورد نظر خود استفاده نموده است.

نوع بینامتنی به کار رفته در این بخش، نفی متوازی (امتصاص) است؛ زیرا در خطبه غدیر برخی واژگان متن غایب، عیناً در متن حاضر آورده شده و نوعی تعامل آگاهانه با متن غایب ایجاد گردیده است، به گونه‌ای که جوهره متن پنهان، در آن بدون تغییر باقی مانده است.

۳-۲. بینامتنی مضمون:

نمونه اول:

متن حاضر: «يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لاتَراهُ»

متن غایب: «لاتدرکه الأبصار و هو یدرک الأبصار و هو اللطیف الخبیر» (انعام/ ۱۰۳).

«چشم‌ها او را نمی‌بینند؛ ولی او همه چشم‌ها را می‌بیند؛ و او بخشنده (انواع نعمت‌ها، و با خبر از دقایق موجودات)، و آگاه (از همه) چیز است».

عملیات بینامتنی: مضمون این قسمت از متن حاضر (خطبه غدیر)، از جمله مضامینی است که از قرآن‌کریم الهام گرفته و با تغییر در کلمات متن غایب، متن جدیدی را ایجاد شده است که همان مضمون متن غایب را در بردارد. در این بخش، به شیوه زیبایی، یکی از خصوصیات و ویژگی‌های حق تعالی، با الگوبرداری از آیات قرآنی ذکر می‌کند.

آیه شریفه، آفریدگار هستی را اینگونه وصف می‌کند و می‌ستاید که: او، همه را می‌بیند، امّا کسی او را نمی‌بیند. و بدین‌سان روشن می‌سازد که آفریدگار هستی به هیچ یک از آفریده‌های خود شباهت ندارد، چرا که برخی از پدیده‌ها هم می‌بینند و هم دیده می‌شوند؛ و برخی دیده می‌شوند، امّا خود نمی‌بینند. و آفریدگار هستی به هیچ یک از آنها شباهت ندارد.

نوع بینامتنی به کار رفته در این قسمت از مقاله را می‌توان نفی متوازی (امتصاص) دانست؛ زیرا مضمون خطبه در تعامل با متن غایب بوده و تفکر و اندیشه قرآنی را تکرار می‌کند.

نمونه دوم:

متن حاضر: «لَهُ الْإِحاطَةُ بِكُلِّ شَيءٍ، والغَلَبَةُ على كُلِّ شَيءٍ».

متن غایب: «وَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا» (النساء/ ۱۲۶).

«آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست؛ و خداوند به هر چیزی احاطه دارد».

عملیات بینامتنی: این بخش از خطبه غدیر، سخن از احاطه و تسلط خداوند برای همه اشیاء دارد، آیات قرآن (نیز به بیان قدرت خداوند و احاطه او بر همه موجودات و اشیاء دارد. در خطبه غدیر بار دیگر، مضامین آیات قرآنی مستقیماً و بدون تغییر ذکر شده است، این مقطع از خطبه غدیر، از نظر مضمون با متن غایب در تعامل است؛ به گونه‌ای که معنی و مضمون در دو متن تفاوتی با یکدیگر ندارند، از این‌رو کارکرد تناص در این بخش را می‌توان نفی متوازی (امتصاص) دانست.

نمونه سوم:

متن حاضر: «وَ كُلٌّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ».

متن غایب: «قالو إنا لله و إنا إليه راجعون» (بقره/ ۱۵۶).

«می‌گویند: «ما از آنِ خدائیم؛ و به سوی او بازمی‌گردیم!»

این بخش از خطبه غدیر (متن حاضر)، از جمله مضامینی است که از محتوای متن غایب (بقره/ ۵۵) الهام گرفته شده است و با تغییر در کلمات متن غایب، متن جدیدی را ایجاد نموده که همان مضمون متن غایب را دارا می‌باشد. در این بخش با الگوبرداری از آیات قرآنی به شیوه زیبا، اشاره به بازگشت همه امور به سوی خدا شده است.

نوع بینامتنی به کار رفته در این قسمت از مقاله را می‌توان نفی متوازی (امتصاص) دانست؛ زیرا مضمون متن حاضر در تعامل با متن غایب قرار داشته و تفکر و اندیشه قرآنی را تکرار می‌کند.

۳-۳. بینامتنی واژگان- مضمون

نمونه اول:

متن حاضر: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْاسْلَامَ دِينًا».

متن غایب: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْاسْلَامَ دِينًا» (مائده/ ۳).

«آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابراین، از آنها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم»

عملیات بینامتنی: در این بخش از خطبه غدیر، بهره‌گیری پیامبر (ص) از الفاظ قرآنی آیه۳ سوره مائده به روشنی دیده می‌شود؛ البته ایشان نه تنها از واژگان قرآنی بهره جسته؛ بلکه از ناحیه‌ی معنایی نیز از مضامین این آیات تأثیر پذیرفته است و در واقع مضمون قرآنی که سخن از اتمام دین و حجت بر مردم دارد را در متن خویش بازآفرینی می‌کند. پیامبر با آوردن واژگان و معنای قرآنی، ارتباطی

دو سویه میان قرآن و مقاله خویش ایجاد می‌کند؛ بگونه‌ای که خواننده هنگام مطالعه مقاله وی، به آیات مرتبط با متن حاضر سوق داده شده و از این تعامل آشکار و معنوی وی با متن غایب لذت می‌برد.

در این بینامتنیت، پیامبر جزئی از متن غایب را عیناً در متن خود ذکر نموده و متن حاضر را بدون هیچ ابتکار و نوآوری، ادامه متن غایب قرار می‌دهد. واضح است که این نوع روابط از نوع سطحی و آسانِ رابطه بینامتنی است، و در حقیقت پیامبر این آیه‌ای را موافق با متن حاضر اقتباس کرده است، بدون هیچ تغییری در واژگان یا مضمون آن را در متن خود ذکر می‌کند. بدین ترتیب، تناص مذکور از نوع نفی جزئی(اجترار) است و کمتر در مقامات حریری وجود دارد.

نمونه دوم

متن حاضر: «أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ»

نه او را ناسازی باشد و نه برایش انباز و مانندی. یکتا و بی‌نیاز، نه زاده و نه زاییده شده، او را همتایی نبوده، خداوند یگانه و پروردگار بزرگوار است.

متن غایب: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (توحید).

«بگو: خداوند، یکتا و یگانه است؛ خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می‌کنند؛ هرگز نزاد، و زاده نشد، و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است!»

این بخش از مقاله به گونه‌های مختلف با متن غایب ارتباط دارد، برجسته‌ترین آن، تعامل آگاهانه با واژگان و مضمون سوره توحید است. پیامبر واژگان و مضمون این سوره را کاملا در متن خود ذکر نموده است.

در خطبه غدیر به شکل موازی و هماهنگ با متن غایب از این نوع بینامتنی استفاده شده است؛ بنابراین نوع بینامتنی به کار رفته در این بخش از مقاله، نفی جزئی (اجترار) است، علاوه بر بینامتنی واژگان و مضمون، بینامتنی موسیقایی نیز در متن به چشم می‌خورد، پیامبر موسیقی متن این بخش از خطبه غدیر را با به کار بردن کلماتی چون (أحد، صمد، یلد، یولد، احد) هماهنگ با آهنگ و وزن سوره مبارکه توحید قرار داده تا خواننده را در یک فضای قرآنی و معنوی قرار دهد.

نمونه سوم:

متن حاضر: «يَأَ اَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ فی علی وَ إِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِی الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»

متن غایب: «يَأَ اَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَ إِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِی الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده/ ۶۷).

«ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیّت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند»

عملیات بینامتنی: واضح‌ترین شکل بینامتنی در این بخش، بینامتنی واژگان است، پیامبر در این بخش واژگان متن حاضر را با الهام از متن غایب (مائده/ ۶۷) در متن حاضر ذکر نموده است.

علاوه بر بینامتنی واژگان، پیامبر از بینامتنی درون مایه نیز بهره برده است، و مضمون آیه مذکور را بدون تغییر ذکر می‌کند در این آیه خداوند از پیامبرش می خواهد که آنچه را از طرف خدا فرستاده شده به مردم ابلاغ کند و به وی تذکر می‌دهد که اگر این کار را انجام ندهد رسالت خود را تکمیل نکرده است؛ آنگاه پیامبرش را به خاطر نگرانی‌های پیش‌رو دلداری داده ، به وی وعده می دهد که او را از شر مردم حفظ خواهد کرد لحن آیه حاکی از آن است که خداوند انجام امر خطیری را به عهده‌ی پیامبر گذارده است؛ چه امر خطیری بالاتر از اینکه در برابر دیدگان صد هزار نفر، علی (ع) را به مقام خلافت و وصایت و جانشینی نصب کند.

بدین‌گونه پیامبر مخاطبین خویش را در یک فضای قرآنی قرار داده و به صورت کاملاً آگاهانه هدف خویش از تبین این آیه به آنان القاء می‌کند. نمونه‌ای از بینامتنی مستقیم را با قرآن به نمایش می‌گذارد. نوع بینامتنی به کار رفته در این متن، نفی جزئی (اجترار) است و این نوع بینامتنی از ضعیف‌ترین نوع روابط بینامتنی می‌باشد.

نمونه چهارم

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَان

آیه: يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَان (رحمن/ ۳۵).

«بر سر شما شراره‌هایی از [نوع] تفته آهن و مس فرو فرستاده خواهد شد، و [از کسی] یاری نتوانید طلبید».

عملیات بینامتنی: در این مقطع از خطبه غدیر، بهره‌گیری از الفاظ قرآنی آیه ۳۵ سوره الرحمن به روشنی دیده می‌شود؛ البته نه تنها از واژگان قرآنی بهره جسته؛ بلکه از ناحیه‌ی معنایی نیز از مضامین این آیات تأثیر پذیرفته است و در واقع مضمون قرآنی که سخن از عدم گریز انسان و جنیان از درگاه الهی و عذاب الهی که بر آنان وارد خواهد آمد را در متن خویش بازآفرینی می‌کند. پیامبر با آوردن واژگان و معنای قرآنی، ارتباطی دو سویه میان قرآن و خطبه غدیر ایجاد می‌کند؛ به گونه‌ای که خواننده هنگام مطالعه مقاله وی، به آیات مرتبط با متن حاضر سوق داده شده و از این تعامل آشکار و معنوی وی با متن غایب لذت می‌برد.

در این بینامتنیت، نویسنده جزئی از متن غایب را عیناً در متن خود ذکر نموده و متن حاضر را بدون هیچ ابتکار و نوآوری، ادامه متن غایب قرار می‌دهد. بدین ترتیب، تناص مذکور از نوع نفی جزئی (اجترار) است.

نتیجه گیری

با بررسی و تحلیل روابط بینامتنی قرآن‌کریم و خطبه غدیر نتایج زیر به دست می‌آید:

روابط بینامتنی قرآن‌کریم و خطبه غدیر در سطح گسترده‌ای است که شامل: واژگان، مضمون و واژگان- مضمون است که بیشترین گونه ارتباطی خطبه غدیر با قرآن‌کریم از نوع بینامتنی لفظی- مضمون و به صورت آگاهانه می‌باشد.

الف) در بینامتنی لفظی: پیامبر در خطبه غدیر با کاربرد واژگان قرآنی در قالبی متناسب با زمانه‌ی خود و با استفاده از قدرت بیان خویش، توانسته است، ضمن نوآوری، توجه مخاطبان را به خود جلب نماید. ب) در بینامتنی مضمون: پیامبر با بهره‌گیری از آموخته‌های قرآنی خود، از مضامین قرآنی بدون توجه به واژگان قرآنی بهره می‌گیرد. ج) بینامتنی لفظی- مضمون: در این نوع از بینامتنی، پیامبر ضمن بهره گیری از واژگان قرآنی از مضامین آن نیز بهره گرفته و مضمون و واژگان قرآنی را بدون تغییر در خطبه غدیر ذکر می‌کند.

تعامل متن خطبه غدیر به عنوان متن اصلی با قرآن‌کریم به عنوان متن غایب یا پنهان، غالباً آگاهانه و بیشتر از نوع نفی متوازی (امتصاص) می‌باشد. شایان ذکر است که به ندرت بینامتنی نفی جزئی (اجترار) و نفی کلی (حوار) نیز به چشم می‌خورد.

منابع

قرآن کریم

۱) استم، رابرت. (۱۳۸۶). **تحلیل متنی**. ترجمه‌ی احسان نوروزی در «درآمدی بر نظریه‌ی فیلم (رابرت استم). چاپ اول. تهران: انتشارات سوره‌ی مهر.

۲) آلن، گراهام. (۱۳۸۵). **بینامتنیت**. ترجمه پیام یزدان‌خوان. تهران: نشر مرکز.

۳) صفوی، کورش. (۱۳۷۶). **مناسبات بینامتنی، فرهنگ‌نامه‌ی ادبی فارسی: دانشنامه‌ی ادب فارسی۲**. به کوشش حسن انوشه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

۴) عزام، محمد. (۲۰۰۵). **شعریه الخطاب السردی**. الطبعه الأولی. دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العربی.

۵) کیوان، عبدالعاطی. (۱۹۹۸). **التناص القرآنی فی شعر امیل دنقل**. الطبعه الأولی. القاهره: مکتبه النهضه المصریه.

۶) موسی، خلیل. (۲۰۰۰). **قراءات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر؛ دراسه**. دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.

۷) وعدالله، لیدیا. (۲۰۰۵). **التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره**. چاپ اول. بی‌جا: دار المندلاوی.

۸) میرزائی، فرامرز. (۱۳۸۸). «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه باهنر کرمان*. شماره ۲۵.

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الثانية، العدد ٧، خريف ١٤٠١

صص: ١١٦ -١٠٣

DOI: ١٠.٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥.٥٥٧٨٤٤.١٠٦٩

قراءة العلاقات النصية المتبادلة في اكتشاف وتحليل تأثير خطبة الغدير على القرآن الكريم

محمد غفورى فر [١]

حسن رحمانى راد [٢]

(تاريخ الوصول: ١٤٠٤,٠٨,١٥، تاريخ القبول: ١٤٠٤,٠٨,١٥)

الملخص

الكلمات المفتاحيّة:

١. أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة كوثر بجنورد، بجنورد، إيران، البريد الإلكتروني: m.ghafourifar٦٥@gmail.com (المؤلف المسؤول).

٢. أستاذ مساعد، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة قم للأديان والمذاهب قم، قم، إيران.